

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آناتولی کوشکین* (Anatoly KOSHKIN)

برگردان: ا.م. شیری

۱۳ می ۲۰۲۵

شکوه پیروزی دیگر به دنبال تسلیم فاشیزم المان



سرنوشت جاپان میلیتاریست در منچوری رقم خورد نه در هیروشیما
[مستندی نسبتاً بلند، قابل توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ واقعی!] - شیری

نقش تعیین‌کننده اتحاد جماهیر شوروی در شکست جاپان میلیتاریست در کرملین تأیید شده است.

آنتون واینو (Anton Vaino)، رئیس دفتر ریاست جمهوری فدراسیون روسیه، در مقاله‌ای که در مجموعه مقالات اعضای شورای امنیت ملی فدراسیون روسیه با عنوان «در هشتادمین سالگرد پیروزی بزرگ» گنجانده شده است، نوشت: «واقعیت‌های تاریخی بدون شک گواهی می‌دهند: این بمباران‌های هسته‌ای آمریکا نبود که جاپان را به سمت تسلیم و پایان جنگ جهانی دوم سوق داد، بلکه در درجه اول حمله خردکننده نیروهای شوروی در خاور دور بود که منجر به شکست ارتش کوانتونگ شد».

در کمال خرسندی متذکر می‌شوم این دیدگاه که جاپان میلیتاریست و نازیسم در اگست ۱۹۴۵ نه با نابودی وحشیانه غیرنظامیان در هیروشیما و ناکازاکی با بمب‌های اتمی آمریکا، بلکه با حمله برق‌آسای ارتش سرخ شوروی به تسلیم بی‌قید و شرط تن داد، در بالاترین ساختارهای قدرت کشور ما تأیید شده است. از همه خوشحال‌کننده‌تر این است که استدلال و شواهد مورد استفاده در تحقیق راقم این سطور را می‌توان در سطح رسمی پذیرفته‌شده تلقی کرد.

مقاله حاضر ثابت می‌کند که اقدامات ایالات متحده «اساساً به منزله آزمایش تمام‌عیار سلاح‌های هسته‌ای در حمله به مناطق شهری بود». زیرا، این کشور هیچ دلیل نظامی واقعی برای استفاده از بمب‌های هسته‌ای نداشت. سخنگوی کرملین در پایان گفت: «به عبارت دیگر، این یک اقدام وحشیانه برای آزمایش اثربخشی سلاح‌های جدید بر روی مردم در مناطق پرجمعیت شهری بود». «بسیاری از مؤرخان متفق‌القولند که هدف اصلی این اقدام، تضمین پشتیبانی برای اهداف سلطه‌جویانه ایالات متحده بود».

مقاله منتشره در عین حال پاسخی است به **تلاش گستاخانه** دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای سرقت پیروزی اتحاد جماهیر شوروی و روسیه. وارث اصلی آن در جنگ جهانی دوم و نسبت دادن آن به آمریکا. این اقدام وقیحانه که در رابطه با فداکاری‌های عظیم مردم ما صورت گرفته، به عبارت ساده، در شأن رئیس‌کشور بزرگ و همچنان تأثیرگذار مانند آمریکا نیست. این تلاشی است برای متقاعد کردن بشریت جهان به این که نقش ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی در شکست نیروهای مسلح المان نازی و جاپان تقریباً نمادین و البته، نه تعیین‌کننده، بلکه... کمکی بوده است. ترامپ چنین می‌گوید: «اتحاد جماهیر شوروی به ما کمک کرد...».

نیروی «غالب» که نیروهای مسلح قدرتمند المان و جاپان را در هم کوبید، اکنون، خلاف حقایق آشکار تاریخ، آمریکا به تمام جهان اعلام شده است. در عین حال، مردم چین و ارتش‌شان که در برابر تجاوز خونین ۱۴ ساله جاپان سرسختانه مقاومت کردند، اصلاً در نظر گرفته نمی‌شوند.

امروز، زمانی که جهان پیروزی بزرگ بر نیروهای شرّ و نسل‌کشی مردم اروپا را جشن می‌گیرد و به یقین که رهائی مردم آسیا از امپریالیسم و استعمار بی‌رحمانه جاپان «الهی» را نیز در ماه سپتامبر با همان شکوه جشن خواهد گرفت. واقعیت‌های قانع‌کننده در اثبات این مدعا را که نخبگان سیاسی و نظامی جاپان نه پس از سوزاندن و جزاله کردن جاپانی‌ها در هیروشیما و ناکازاکی، بلکه در نتیجه حمله برق‌آسای ارتش سرخ اتحاد شوروی مجبور به تسلیم شدند، یادآوری می‌کنم.

حتی قبل از شکست ارتش کوانتونگ در صبح ۹ اگست ۱۹۴۵، شینگنوری توگو، وزیر امور خارجه جاپان، نخست وزیر کانتارو سوزوکی را متقاعد کرد که ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، راهی جز پذیرش شرایط اعلامیه پوتسدام مبنی بر تسلیم بی‌قید و شرط برای جاپان باقی نمی‌گذارد. کویچی کیدو، نگهبان مهر امپراتوری، در مورد لزوم پایان فوری جنگ به هیروهِیتو گزارش داد. در عین حال، این نگرانی وجود داشت که شکست در جنگ می‌تواند توده‌ها را به سوی انقلاب سوق دهد. در تلاش برای جلوگیری از این امر، حلقه نزدیک امپراتور، برای جلوگیری از پیاده شدن نیروهای شوروی در جزایر جاپان، تسلیم فوری در برابر امریکائی‌ها و انگلیسها را ضروری دانستند.

با این حال، فرماندهی ارتش قاطعانه با پیشنهاد تسلیم شدن مخالفت کرد. علی‌رغم بمباران اتمی، هواداران «حزب جنگ» همچنان به بسیج توده‌ها برای مبارزه با دشمن در سراسر کشور ادامه دادند – به زنان، کودکان و سالمندان تکنیک‌های جنگ با استفاده از نیزه‌های بامبو در زمین‌های بازی مدارس آموزش داده می‌شد و پایگاه‌های جنگ چریکی در کوهستان ایجاد می‌شد. دریابان تاکاجیرو اونیشی، معاون رئیس ستاد کل نیروی بحری، خالق جوخه‌های انتحاری، با قاطعیت علیه تسلیم شدن صحبت کرد و در یک جلسه دولتی اعلام کرد: «با فدا کردن جان ۲۰ میلیون جاپانی در حملات ویژه، به پیروزی بی‌قید و شرط دست خواهیم یافت». در عین حال، او تأکید کرد که یک انتحاری لزوماً نباید خلبان باشد، بلکه صرفاً «آماده باشد تا به قیمت جان خود ضربه مؤثر به دشمن وارد کند». شعار «صد میلیون نفر به یک شکل خواهد مرد»! به عنوان شعار اصلی در کشور تعیین شد.

رهبران جاپان از فداکاری‌های مردم ناراحت نبودند، از بمب اتم هم هراس نداشتند. روی این اصل در بهار ۱۹۴۵، زمانی که طبق برآوردهای مختلف، بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰ نفر از جمعیت در نتیجه بمباران گسترده شهرهای جاپان، یعنی بیش از تعداد قربانیان بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی جان خود را از دست داد، تسلیم نشدند. با این حال، با درک این موضوع که اتحاد جماهیر شوروی پس از ورود به جنگ، حق رأی خود در مسائل مربوط به آینده جاپان را به طور روزافزون تقویت می‌کرد، طرفداران تسلیم فوری، تصمیم گرفتند به اقتدار امپراتور متوسل شوند.

پس از انتشار خبر توسعه سریع هجوم نیروهای اتحاد شوروی به منچوری و کوریا در شب ۹-۱۰ اگست، با عجله جلسه‌ای در پناهگاه کاخ امپراتوری با حضور میکادو تشکیل گردید که در آن نخست وزیر متن بیانیه از قیل آماده‌شده را قرائت کرد: «دولت جاپان شرایط مندرج در بیانیه مشترک سه قدرت در ۲۶ جولای را می‌پذیرد و آن را به این معنا درک می‌کند که حاوی خواسته‌های تأثیرگذار بر حاکمیت امپراتور در اداره کشور نیست». جلسه با این جمله پایان یافت: «برای پایان دادن به این جنگ، امپراتور تصمیم گرفته است».

با این حال، فرماندهی ارتش برای ابلاغ این تصمیم به سربازان و مردم هیچ عجله نداشت. یاسوجی اوکامورا، فرمانده کل نیروهای جاپانی در چین، در ۱۲ اگست به توکیو تلگراف زد: «تحمّل تهدیدی که برای نظام دولتی و قلمرو امپراتوری ایجاد شده، دشوار است. ما درک می‌کنیم که ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، اوضاع را در حد قابل توجهی بدتر کرده است. با این حال، با داشتن یک ارتش تا ۷ میلیون نفر در خاک خود جاپان و ارتش اعزامی تا یک میلیون نفر در سرزمین اصلی که روحیه جنگی آن‌ها هنوز بالاست، برای شکست قاطع دشمن آماده هستند. اکنون نیروی زمینی به تکیه‌گاه اصلی امپراتوری تبدیل شده است. ما کاملاً متقاعد شده‌ایم که علی‌رغم تهاجم موفقیت‌آمیز دشمن (نیروهای شوروی) و مشکلات داخلی در کشور، کل ارتش آماده است تا با افتخار در نبرد بمیرد، اما به اهداف جنگ در پانز امسال دست یابد».

سرنوشت امپراتوری جاپان در منچوری رقم خورد. با علاقه وافر به میهنم، جرأت می‌کنم نظر خود را بیان کنم و امیدوارم تصمیمات قاطعی اتخاذ گردد.

در عین حال، ساخت بمب اتمی توسط امریکائی‌ها و تخریب هیروشیما و ناگازاکی عملاً مورد توجه قرار نگرفت. اما اذعان شد که ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، جاپان را به آستانه شکست رساند. ارتش سرخ امید فرماندهی جاپان را مبنی بر این که «وقتی نبرد سرنوشت‌ساز در خاک خود جاپان آغاز شود، انتقال نیروهای زمینی دست نخورده ارتش مستقر در منچوری به سرزمین اصلی، به جاپانی‌ها اجازه می‌دهد مدت طولانی مقاومت کنند، به تأس تبدیل کرد».

ظهر روز ۱۵ اگست ۱۹۴۵، جاپانی‌ها برای اولین بار در تاریخ ملت خود، صدای پادشاه الهی خود را شنیدند که با زبانی دشوار برای مردم عادی، تصمیم خود برای پایان جنگ را اعلام کرد. به عنوان توجیهی برای عدم امکان مقاومت بیشتر، استفاده دشمن از «بمب جدید و سنگین با قدرت تخریبی بی‌سابقه» نیز ذکر شد. این امر روشن ساخت که جاپان پس از شکست در نبردها با دشمن، تسلیم نشد، بلکه به عقب‌نشینی در برابر نیروی مقاومت‌ناپذیر سلاح‌های قبلاً دیده‌نشده مجبور بود. در این راستا، هنوز بسیاری در جاپان معتقدند که استفاده امریکا از بمب‌های اتمی «تنیو» – اراده الهی، مائده آسمانی بودند، که به ملت مقدس یاماتو فرصت داد تا با افتخار و بدون از دست دادن آبرو از جنگ بیرون آید.

در واقعیت امر، امپراتور و حلقه نزدیکانش، اجتناب‌ناپذیری شکست جاپان را نه با بمباران اتمی، بلکه با مشارکت ارتش سرخ در جنگ که قدرت نظامی المان نازی را در هم شکست، مرتبط می‌دانستند. در فرمان ۱۷ اگست ۱۹۴۵ امپراتور هیروهیتو زیر عنوان «به سربازان و ملوانان، فرمانده کل ارتش و نیروی بحری جاپان»، بدون این که نامی از بمب‌های اتمی امریکا و تخریب شهرهای جاپان ببرد، ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ را دلیل اصلی تسلیم عنوان کرد. با صراحت تمام اعلام کرد: «حالا که اتحاد جماهیر شوروی وارد جنگ علیه ما شده، ادامه مقاومت... به معنای تهدید اساس موجودیت امپراتوری ماست».

واقعیت‌ها حاکی از این است که بدون ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، امریکایی‌ها نمی‌توانستند با «پرتاب بمب‌های اتمی به شهرهای جاپان»، آنطور که تبلیغات نظامی امریکا جمعیت جاپان را در برگه‌های تبلیغاتی و رادیو متقاعد می‌کرد، آن را به سرعت فتح کنند. طبق برآوردهای ستاد مرکزی امریکا، حداقل نه بمب اتمی برای پشتیبانی از فرود نیروها در جزایر جاپان لازم بود. پس از حمله به هیروشیما و ناگازاکی، امریکا دیگر بمب اتمی آماده نداشت و تولید بمب‌های جدید به زمان زیادی نیاز داشت. هنری استیمسون، وزیر جنگ ایالات متحده شهادت داد: «این بمب‌هایی که ما انداختیم، تنها بمب‌هایی بودند که داشتیم و نرخ تولید در آن زمان بسیار پایین بود». نباید فراموش کرد که در پاسخ به حملات اتمی، جاپانی‌ها می‌توانستند مقادیر عظیمی از سلاح‌های باکتریولوژیک و کیمیایی انباشته شده در آزمایشگاه‌های مخفی جاپان واقع در شمال شرقی چین را علیه ایالات متحده به کار ببرند. با ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، این خطر برای همه جهان از بین رفت. فرمانده سابق ارتش کوانتونگ، جنرال اوتوزو یامادا، در دادگاه اعتراف کرد: «ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ علیه جاپان و پیشروی سریع نیروهای شوروی در اعماق منچوری، ما را از فرصت استفاده از سلاح‌های باکتریولوژیک محروم کرد...». اگر اتحاد جماهیر شوروی وارد جنگ نمی‌شد، جنگ می‌توانست به مدت نامعلومی ادامه یابد.

امروزه، در ایالات متحده، به ویژه محافل سیاسی و نظامی تلاش می‌کنند از به رسمیت شناختن نقش مهم اتحاد جماهیر شوروی در شکست جاپان میلیتاریست «خودداری» کنند. در سال ۱۹۴۵، طراحان نظامی امریکایی بر این فرض اصرار می‌کردند که حتی اگر فرود برنامهریزی‌شده ایالات متحده در جزایر جاپان، با اسم رمز «سقوط»، انجام شود، هیچ اطمینانی نیست که «ارتش قدرتمند کوانتونگ، که تقریباً کاملاً خودکفا است، به جنگ ادامه ندهد». جنرال داگلاس مک‌آرتور، فرمانده نیروهای انگلیس-امریکایی در اقیانوس آرام و خاور دور نیز معتقد بود که نیروهای امریکایی «تا زمانی که ارتش روسیه عملیات نظامی در منچوری را آغاز نکرده است، نباید در جزایر جاپان پیاده شوند». جورج مارشال، جنرال ارتش، شخصیت نامدار نظامی و سیاسی ایالات متحده خاطرنشان کرد: «اهمیت ورود روسیه به جنگ در این است که می‌تواند به عنوان یک اقدام قاطع، جاپان را مجبور به تسلیم کند». همین اتفاق هم افتاد.

حتی ترومن، رئیس جمهور امریکا، که آشکارا مواضع ضد شوروی داشت، اعتراف کرد: «ما خیلی دوست داشتیم روس‌ها علیه جاپان وارد جنگ شوند». او در خاطرات خود نوشت: «ورود روسیه به جنگ برای نجات صدها هزار امریکایی روز به روز ضروری‌تر می‌شد». او پس از دریافت خبر آغاز حمله شوروی به منچوری و کوریا، نه پس از سوزاندن غیرنظامیان هیروشیما در آتش‌سوزی اتمی در ۶ اگست ۱۹۴۵، با خوشحالی فریاد زد: «همه چیز تمام شد!»! تحلیل بی‌طرفانه وضعیت نظامی-سیاسی در خاور دور که در اگست ۱۹۴۵ شکل گرفت، حتی منتقدان آشتی‌ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی را نیز به اذعان به حقایق آشکار وادار کرد. بنابراین، در یک مطالعه علمی که در سال ۲۰۰۵ در مورد دلایل تصمیم دولت جاپان برای تسلیم منتشر شد، پروفیسور تسویوشی هاسه‌گوا، یک جاپانی‌تبار در دانشگاه کالیفرنیا (امریکا)، تأثیر تعیین‌کننده ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ بر تصمیم امپراتور برای پذیرش شرایط تسلیم

را تصدیق می‌کند. او در بخش پایانی اثر خود تحت عنوان «در تعقیب دشمن. ستالین، ترومن و تسلیم جاپان» می‌نویسد: «دو بمب اتمی که بر هیروشیما و ناگازاکی انداخته شد، در تصمیم جاپان برای تسلیم شدن تعیین‌کننده نبود. با وجود قدرت ویرانگر بمب‌های اتمی، آن‌ها برای تغییر جهت دیپلماسی جاپان کافی نبودند. این امر در اثر حمله شوروی ممکن شد. بدون ورود اتحاد جماهیر شوروی به جنگ، جاپانی‌ها تا زمانی که بمب‌های اتمی متعدد بر سرشان ریخته می‌شد، فرود موفقیت‌آمیز متفقین در جزایر اصلی جاپان یا ادامه بمباران هوایی تحت شرایط محاصره بحری، که امکان مقاومت بیشتر را از بین می‌برد، به جنگ ادامه می‌دادند».

این نظر را **وارد ویلسون**، نویسنده کتاب «پنج افسانه درباره سلاح‌های هسته‌ای»، در مقاله‌اش در مجله فارین پالیسی با عنوان «این بمب نبود که جاپان را شکست داد، بلکه ستالین بود»، نیز تأیید می‌کند.

او می‌نویسد که در تابستان ۱۹۴۵، هواپیماهای امریکائی ۶۶ شهر جاپان را، به‌طور کامل یا جزئی، با بمب‌های متعارف **بمباران کردند**؛ میزان تخریب بسیار عظیم بود. در برخی موارد با ویرانی‌های ناشی از بمباران اتمی قابل مقایسه بود. در ۹ و ۱۰ مارچ، ۱۶ مایل مربع از توکیو در آتش سوخت و حدود ۱۲۰ هزار نفر کشته شد. هیروشیما از نظر تخریب شهری (به درصد) تنها هفدهمین شهر است. نویسنده می‌پرسد: «اگر بمباران شهرها به طور کلی یا بمباران اتمی هیروشیما به طور خاص برای جاپانی‌ها اهمیت نداشت، پس چه چیزی آن‌ها را نگران می‌کرد؟ پاسخ ساده است – اتحاد جماهیر شوروی».

و علاوه بر این، «روایت سنتی مبنی بر این که جاپان به دلیل هیروشیما تسلیم شد، راحت است. زیرا، نیازهای احساسی ایالات متحده و خود جاپان را برآورده می‌کند. ایالات متحده چگونه از روایت سنتی سود برد؟ اعتبار قدرت نظامی امریکا به میزان قابل توجهی بهبود یافت؛ نفوذ دیپلماسی آن در آسیا و سراسر جهان رو به افزایش بود و امنیت ایالات متحده تقویت گردید... در مقابل، اگر ورود شوروی به جنگ به عنوان دلیل تسلیم در نظر گرفته می‌شد، مسکو می‌توانست ادعا کند که در عرض چهار روز به چنان موفقیتی دست یافت که ایالات متحده در چهار سال نتوانست به آن دست یابد. بنابراین، تصورات از قدرت نظامی و نفوذ دیپلماتیک شوروی تقویت می‌شد... ویلسون معتقد است که «در طول جنگ سرد، ادعای این که اتحاد جماهیر شوروی نقش تعیین‌کننده ایفا کرده است، معادل «کمک به دشمن محسوب می‌شد».

و وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلستان در طول جنگ جهانی دوم، صراحتاً اظهار داشت: «این اشتباه است اگر باور کنیم که سرنوشت جاپان با بمب اتمی تعیین شد».

همچنین به طرز قانع‌کننده‌ای ثابت شده است که بمباران‌های اتمی ناشی از ضرورت نظامی نبود. رهبری امریکا با اتخاذ تصمیم به استفاده از سلاح‌های اتمی، آن‌ها را نه علیه اهداف نظامی، بلکه علیه غیرنظامیان در شهرهای جاپان به کار برد. اسناد و مدارک به طور غیرقابل انکاری این موضوع را ثابت می‌کنند. برای مثال، در فرمان عملیاتی صادره از سوی فرماندهی امریکائی به شماره ۱۳ در ۲ اگست ۱۹۴۵ آمده است: «روز حمله – ۶ اگست. هدف حمله- مرکز و منطقه صنعتی شهر هیروشیما. هدف جایگزین دوم- زرادخانه و مرکز شهر کوکورا. جایگزین سوم- مرکز ناگازاکی».

با انجام حملات اتمی به مناطق پرجمعیت هیروشیما و ناگازاکی، دولت و فرماندهی امریکا در پی آن بودند که پیش از هر چیز به یک تأثیر روانی دست یابند و برای این منظور تا حد امکان، افراد بیشتری را بکشند. رئیس جمهور ترومن شخصاً پیشنهاد نزدیکترین مشاور خود، جیمز بیرنز، وزیر امور خارجه بعدی ایالات متحده را مبنی بر این که «بمب

باید در اسرع وقت علیه جاپان استفاده شود، باید بر روی یک کارخانه مهمات‌سازی که توسط اماکن مسکونی کارگران احاطه شده، باید بدون هشدار قبلی انداخته شود»، تأیید کرد.

بمباران اتومی همچنین هدف مهم دیگری نیز داشت: ارباب اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورها و دستیابی به سلطه آمریکا در جهان پس از جنگ از طریق انحصار هسته‌ای. واشنگتن هنگام آماده شدن برای استفاده از بمب‌های اتومی امیدوار بود که این بمباران به «مطیع کردن روسیه در اروپا» کمک کند. ترومن در این مورد جمله معروفی دارد: «اگر بمب منفجر شود، فکر می‌کنم این اتفاق خواهد افتاد و من مطمئناً یک چماق علیه این افراد در دست خواهم داشت». در این راستا، مخالفت با نظر پاتریک بلکت، فزیکدان مشهور انگلیس و برنده جایزه نوبل، مبنی بر این که بمباران‌های اتومی «کمترین اقدام علیه روسیه بود»، دشوار است. در واقع، حملات اتومی آخرین مرحله جنگ جهانی دوم نبود، بلکه شروع جنگ سرد را نوید می‌داد.

این یک واقعیت تاریخی آشکار است که ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی بی‌شک نقش تعیین‌کننده در شکست نیروهای زمینی جاپان در این قاره ایفا کرد. حمله برق‌آسای شوروی، رهبری جاپان را از فرصت انتقال نیروها از چین به سرزمین اصلی جاپان محروم کرد و بدین ترتیب، برنامه‌های «نبرد خونین برای سرزمین اصلی» را مختل کرد و مانع از آن شد که جاپان میلیتاریست از جنگ‌افزارهای باکتریولوژیکی و کیمیائی استفاده کند. به این ترتیب جان میلیون‌ها انسان، از جمله خود جاپانی‌ها را نجات داد.

پی‌نوشت: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در دیدار با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، خاطرنشان کرد: «از طرف خودم، از شما به خاطر دعوت به مراسم بزرگداشت هشتادمین سالگرد پیروزی بر جاپان میلیتاریست و پایان جنگ جهانی دوم سپاسگزارم. خوشحال خواهم شد که دوباره در یک سفر رسمی که همزمان با این تاریخ باشد، از چین، این کشور دوست بازدید کنم». رئیس‌جمهور روسیه ضمن تأکید بر اهمیت خاطره مشترک جنگ جهانی دوم، از توسعه روابط با چین حمایت کرد.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

از میان مطالب مرتبط:

ستالین جاپان را شکست داد نه بمب‌های اتومی آمریکا

۲۲ اردیبهشت-ثور ۱۴۰۴

* - دکترای علوم تاریخی، استاد انستیتوی شرق‌شناسی، عضو اتحادیه نویسندگان روسیه، عضو شورای اجرایی انجمن مؤرخان جنگ جهانی دوم روسیه، کارشناس بنیاد فرهنگ ستراتیژیک